

کتابخانه
نشر نگاه معاصر

مسیحیان علیہ ہیتلر

ئی. اچ. رابرتسن

ترجمہ ی جعفر فلاحی

فهرست

۹	□ مقدمه مترجم	۶۶
۱۳	۱. شهادت	۶۶
۱۶	مقاومت مسیحی	۶۷
۱۹	بازگشت به کتاب مقدس	۶۷
۲۵	۲. مسیحیان زرمن	۶۸
۲۶	کلیسا و حکومت	۶۸
۳۰	تولد یک بدعت	۶۸
۳۷	۳. اولین مخالفت مسیحی	۶۸
۳۷	اصلاحات نوپا	۶۸
۴۱	داستان فریتس مولر	۶۸
۴۴	آغاز درگیری‌ها	۶۸
۴۷	کارل بارت در برابر لودویگ مولر	۶۸
۵۳	۴. منشور مقاومت	۶۸
۵۳	موعظه‌ای در عصرگاهی از ماه مه	۶۸
۵۵	آنها که آمدند	۶۸
۵۶	تهیه پیش‌نویس بیانیه	۶۸
۵۸	بیانیه بارمن	۶۸
۶۳	۵. حتی بریتانیا هم مراقب است	۶۸
۶۴	مأموریت بونهوفر در انگلیس	۶۸

۶۹	۶. نماد مقاومت
۶۹	هشدار نیمولر به هیتلر
۷۴	نیمولر بازداشت شد
۷۹	۷. یورش می مهلک
۸۰	شهادت پائول اشنايدر
۸۵	سه ندا از زندان
۸۹	۸. تنگنای جنگ
۹۰	کشاکش وجدان
۹۳	تصميم بونهوفر
۹۷	۹. تدابیری برای صلحی عادلانه
۹۸	اهداف جنگ
۱۰۵	۱۰. دیده بانان صلح
۱۱۷	«آنها همگی رفته اند»
۱۲۳	۱۱. تلاش هایی برای سوء قصد به جان هیتلر
۱۲۳	سوء قصدکننده های نخستین
۱۲۸	هیتلر باید بمیرد؟
۱۳۲	سوء قصد ۲۰ ژوئیه
۱۳۷	۱۲. پایان و آغاز
۱۴۱	ثمرات مقاومتی مبتنی بر کتاب مقدس
۱۴۸	□ برای مطالعات بیشتر
۱۵۰	□ نمایه

مقدمه مترجم

۱. ادیان جهان حاوی مدعیات مختلف در حوزه هایی از جمله معنویت و اخلاقند و یکی از وجوه جالب در مطالعه تاریخ ادیان و بررسی احوال معتقدان به این ادیان، آزمودن پابندی دینداران به مدعیات مذکور است. تاریخ راوی تنگناهایی است که همه، از جمله دینداران و دینیاران، را به آزمون کشیده اند و بنابراین می توانند محکی به حساب آیند. علما و بزرگان یهود دهه ها بلکه سده ها از ظهور موعود سخن می گفتند اما شرح رویارویی شان با عیسی مسیح (اگرچه او موعود منتظر یهودیان هم نبوده باشد) خواندنی است. رویارویی مسیحیان آلمان با رژیم نازی و واکنش به رفتار این رژیم در آلمان و اروپا از شمار همین تنگناها است.^۱ در چنین شرایطی آیا فرد در اثر باورها و مدعیات دینی به مقابله با ظلم بر می خیزد یا برعکس این باورها در چنین مقابله ای بدل به قیدهایی می شوند برای بستن دست او و بهانه های برای گریز؟

در این کتاب این دو الگو را در برهه مذکور از تاریخ آلمان مشاهده می کنیم؛ از سویی کسانی که گزاره های تاریخی دین مسیحیت را بهانه ای برای روی گردانیدن از برابر رژیم نازی کردند و از سوی دیگر کسانی که با عمل و اندیشه خود این گزاره های تاریخی را بازخوانی کردند و به این وسیله نه تنها از صحنه عمل کنار نکشیدند بلکه تفسیری جدید از اصول عقاید عرضه و مسیر دینداری را اصلاح کردند.

۲. تفاوت بین دیندارها و غیر دیندارها صرفاً و عمدتاً در گزینه هایی که انتخاب می کنند نیست، بلکه در توجیهی است که برای انتخاب خود دارند، چرا که به نظر می رسد توجیه فرد برای انتخابش کیفیت عمل او را هم سخت تحت تأثیر قرار می دهد. دیندار با عمل به آنچه که بدان باور دارد خود را رویارو با حقیقتی می بیند که باور دارد بر این عالم سایه افکنده است. در

واقع او با چنین عملی بر باورهایش شهادت می‌دهد. شهادت در فرهنگ‌های دینی، ارزشی مهم است؛ نمونه‌اش هم فرهنگ‌های اسلامی و مسیحی است.

شهادت اگر در چنین فرهنگ‌هایی یک فضیلت است، نکته‌اش فقط به بذل جان و فریاد واپسین و قهرمانانه شهید نیست، بلکه نکته‌اش بر **گواهی** دادن بر حقیقت تا پایان مسیر است. و پایان راه همیشه به معنای بذل جان نیست، بلکه گاه به معنای عمری مجاهده و صبوری است. اگر برای درک این نکته به ملاحظه مثال نیاز است، خواندن سرنوشت مارتین نيمولر و دیتريش بونهوفر در این کتاب جالب توجه خواهد بود، چرا که هر دو بر حقیقتی شهادت می‌دهند اما سرنوشت یکی بذل جان است و دیگری صبوری و مجاهده.

این‌که «شهادت» دو معنا دارد - شهید شدن و گواهی دادن - و البته این دو معنا به هم ارتباط دارند، شاهدی است بر مطلب فوق. معنای دوگانه شهادت خاص زبان فارسی و فرهنگ اسلامی نیست. در زبان انگلیسی و فرهنگ مسیحی نیز چنین است؛ martyr به معنی شهید از کلمه یونانی martys گرفته شده، که در واقع معادل واژه اصالتاً لاتین witness به معنای گواهی دادن خصوصاً بر ایمان و عقیده است. این کلمه در فرهنگ مسیحی باری تاریخی دارد که قدمتش بر می‌گردد به آزارهایی که در سده‌های نخست میلادی حاکمان رومی غیر مسیحی بر مسیحیان وارد می‌کردند. بعضی از مسیحیان بر ایمان خود شهادت می‌دادند و نهایتاً زیر شکنجه شهید می‌شدند. در فصل نخست این کتاب دو واژه martyr و witness در مواردی به جای هم نشسته‌اند که به مقتضای متن به هر دو اصطلاح شهید شدن و شهادت دادن ترجمه شده‌اند.

۳. اما همه مسأله ثبات در شهادت دادن به حقیقت نیست، بلکه تشخیص آن هم اهمیت دارد. تباهی گاه چنان طلوع مسحورکننده‌ای دارد که نه تنها خاطر را نمی‌آزارد، بلکه واقعیت خود را می‌پوشاند و با کلام پرشور و پرطنینش روزگاری روشن را نوید می‌دهد. نباید پنداشت که هیتلر و حزب نازی نزد همگان ظاهری تبه‌ناک داشته‌اند و مجذوبان‌شان آگاهانه به آغوش شرارت غلتیده‌اند، بلکه مطابق معمول موارد مشابه، چنین اتفاقی در چند مرحله و با تغییر معنای مفاهیم و ذائقه افراد و توجیهاات فراوان رخ داده است. برای هرگونه قضائوتی درباره عملکرد مردم آلمان و از جمله مسیحیان این کشور در برابر رژیم نازی باید متوجه وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها در فاصله بین دو جنگ بود.

با این حال این به معنای حق دادن به طرفداران و فریب خوردگان رژیم نازی طی سال‌های

شکل‌گیری و بر قدرت نشستن این حزب نیست، چرا که هرکس وظیفه دارد منتقدانه به اوضاع بنگرد و در ورای ظاهر واقعیت را بجوید و اگر کژی‌ای دید به خاطر توجیه عمل خود و ضمانت شیرینی کام خود، چشم بر آن نبندد. جاناناتان گلاور در انتهای مطالعه‌ای که از وجه اخلاقی درباره فجایع و جنگ‌های سده بیستم - از جمله فجایع نازی‌ها - انجام داده است، به مخاطبان خود توصیه‌ای می‌کند که می‌توان آن را از جمله برای آلمانی‌های نیمه اول سده بیستم هم صادق دانست. توصیه گلاور مربوط به وضعیتی است که در آن ناظران متوجه می‌شوند آگاهی بیشتر موجب آزارشان می‌شود. «وقتی رومیان را بر می‌گردانیم، دیگر شرعظیمی را که باید فوراً متوقف کنیم چندان احساس نمی‌کنیم. نخستین گام این است که رومیان را برنگردانیم».^۲

۴. متألهان آلمانی در سده‌های اخیر از مهم‌ترین چهره‌های الهیات مسیحی، هم در مذهب پروتستان و هم در مذهب کاتولیک بوده‌اند. بنابراین شناخت الهیات مسیحی بسته به شناخت متألهان آلمانی، و شناخت متألهان آلمانی تا حدی نیازمند شناخت زمینه‌ای است که آنها در آن بالیده و اندیشیده‌اند. برای مثال گفته می‌شود که کارل بارت در همه عمر در یک دستش کتاب مقدس داشت و در دست دیگرش روزنامه. از میان رخداد‌های مهم سده بیستم یکی روی کار آمدن رژیم نازی و وقوع جنگ جهانی دوم بود. بنابراین اثر حاضر از این وجه هم اهمیت دارد که راوی یکی از مهم‌ترین رویداد‌های الهیاتی - سیاسی سده بیستم در آلمان بود. رویدادی که مستقیم یا غیر مستقیم بر حیات متألهانی مهم از جمله کارل بارت، دیتريش بونهوفر، رودلف بولتمان، کارل رانر و امثالهم و دیدگاه‌های الهیاتی آنها تأثیر نهاده است. همچنین است درباره مقابله کلیساهای پروتستان و علمای این دین، که البته مقایسه رویکرد آنها با رویکرد کاتولیک‌ها (که منظور این کتاب نیست) جالب توجه و لازم خواهد بود.

۵. کتاب حاضر متنی است مختصر و مفید که از جهت نحوه روایت چند مزیت دارد. نخست آن‌که اختصارش از جهت فتح باب مناسب دارد. دوم این‌که روایتش تا اندازه‌ای همدلانه است و خشک نیست. نویسنده فقط اطلاعات نداده و با اختصاص بخش‌هایی به احوال یا ماجراهای مربوط به مبارزین، کوشیده است درک و دریافتی ملموس از آنها به مخاطب ارائه دهد. و دیگر این‌که زمان نگارش کتاب قدری به آن روزگار نزدیک بوده است و از جهت بیان و نکات مورد تأکید به گونه‌ای است که می‌توان گفت متأثر از حضور نگارنده در آن زمانه و حال و هوا است.